

یا من ادبه الله لنشر نجاته و اثبات قلوب الضعفاء علی عهده و میثاقه ...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی

- شماره ۱۱۸۰

هو الله

ط

حضرت ادیب دبستان الهی علیه بهاء الله الابهی

هو الابهی

یا من ادبه الله لنشر نجاته و اثبات قلوب الضعفاء علی عهده و میثاقه و للقیام علی خدمة امره قد تلوت آیات شوق الی الله و رتلت کتاب انجذاب الی ملکوت الابهی و لمثلک ینبغی هذا الشأن العظیم لعمر الله ان جنود التأيید مجتهدة فی الملاء الاعلی و ان کتائب النصر و فیالق الغلبة لفی اهبة النزال و الکفاح فی المملکوت الابهی حتی تهاجم علی مدائن القلوب و حصون النفوس و تشرد فی القتال و تبدد شمل جنود الشبهات و لکن قائد تلك الجنود یتربغب النقط المهمة المنتجة حتی یسوق الجیش و یزیل الطیش و یمجرى تعبئة الجیش و هذه النقاط المهمة فی میدان القتال و القلاع الحصينة فی مواقع النزال عبارة عن النفوس الكاملة و الاسود الصائلة و الصقور الصارقة و العقاب الكاسرة الهاجمة علی وحوش الشبهات و تعالب الارتیاب تالله یا حبیبي ان سکان الرفرف الاعلی کلّ واحد یتنّی العود الی هذه الدار دار البلاء و الشقی لعله یتوفّق الی خدمة الميثاق و نشر النجات و ینسلک فی سلك افراد جيش الحیات و یحارب الوحوش الضاریات من جنود الشبهات

در خصوص اختلاف در بین احبّا از جهت تحیت مرقوم فرموده بودید در این امور جزئیّه نباید احبّا بر پایی یکدیگر شوند تا بخود مشغول شوند و از نشر نجات قدس و اثبات قلوب بر میثاق بازمانند بلکه سبب میشود که متزلزلین بر عهد رخنه مینمایند و ضعف را متزلزل میکنند حال وقت تأسیس است نه زمان ترتیب ثبت العرش ثمّ انقش مثل مشهور است آنحضرت احبّا را آگاه نمائید که حال اینگونه اختلافات مثل سمّ نقیع و زهر سریع است ناقضین بکمال قوت در هدم بنیان پیمان ساعی و شما که الحمد لله ثابت و راسخید شب و روز باید در اتحاد و اتفاق و قطع ریشه شقاق بکوشید و بفرمائید که اگر چنانچه مباحث جزئی در مسائل فرعیّه حاصل گردد پایی یکدیگر نشوید و اصرار در رأی ننمائید بکمال



ORIGINAL

محبت و یگانگی بدون افسردگی نفسی اختلاف زائل و ائتلاف حاصل میگردد در مسئله تحیت این چهار تحیت از حضرت اعلی روحی له الفداست و مقصد از هر چهار جمال قدم روحی لاحبائه الفداست نه دون حضرتش و اجراء چهار جائز و نص مانع از تلفظ یکی از اینها موجود نه پس اگر نفسی هر یک را تلفظ نماید از دین الله خارج نگردد و مورد لوم و طعن و ذم و قدح نشود و تعرض و تحقیر جائز نه و اعتراض نباید نمود چه که هر چهار تحیت در کتاب الهی وارد ولی الیوم بانگ ملاً اعلی الله ابیست و روح این عبد از این ندا مهتز هر چند مقصود از الله اعظم نیز جمال قدم روحی لاحبائه الفداست چه که اوست اسم اعظم و نیر اعظم و ظهور اعظم اما این تحیت الله ابی کوس ربوبیت جمال غیب احدیت است که در قلب امکان تأثیر مینماید ولی این اختلاف را بنوع بسیار خوشی بدون سرزنش احدی از میان بردارید که مبادا اسباب احزان قلوب گردد و نفسی دیگری را ملامت نماید الیوم باید احبای الهی در نهایت خضوع و خشوع و محویت و فنا و فقر حقیقی و سکون و وقار باشند هیچ یک بر دیگری اعتراض نکند و نجلتش نپسندد تا کل در ظل کلمه میثاق اخوان علی سرر متقابلین زیست نمایند

در خصوص استعفاء از دار الفنون مرقوم نموده بودید استعفا جائز نه انشاء الله در دار الفنون رجال ذو فنون تربیت میگردند ع ع